

Critique of political crimes in Iranian law and Islamic jurisprudence

Abstract

Considering that all countries have been dealing with political crimes during their formation, and during the establishment and codification of general laws, they have also dealt with such crimes and have thought of solutions in this regard. In Iran, after the victory of the Islamic Revolution and the infusion of the Islamic spirit into the enacted laws, the legislature sought to pass laws that did not conflict with the rights of individuals and could provide what was in the best interest of the individual and the Islamic state. Despite this, the government does not pay much attention to this type of crime and it seems to be one of the most important crimes in taking care of the life of a system. , Has considered the type and reference of the proceedings, etc. And it is completely different from ordinary crimes. Also, in terms of the psychological element, the motive and its type are ineffective in investigating crimes. In political crimes, a benevolent and libertarian claimant causes the perpetrator to enjoy a series of privileges over the ordinary offender. In Islamic jurisprudence, fornication is considered as a political crime and in the definition of political crime, the concept of fornication has been used. Which has been created correctly to rise and it does not matter if the leader of the government is the Prophet or the Imam or their special deputy or general deputy, that is, the comprehensive jurist. Keywords: political crime, Islamic jurisprudence, Iranian law, prostitution

نقد و بررسی جرایم سیاسی در حقوق ایران و فقه اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۹

سید حسن شاهچراغ^۱

محمد حسن حسنی^۲

مهدی ذوالفقاری^۳

چکیده

با توجه به اینکه همه کشورها در طول دوران تشکیل خود با جرایم سیاسی دست و پنجه نرم می کردند و در خلال تاسیس و تدوین قوانین عام به این نوع جرایم نیز پرداخته و راهکارهایی نیز در این زمینه اندیشیده اند. در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دمیده شدن روح اسلامی به قوانین مدونه، قانون گذار در پی تصویب قوانینی بود که با حقوق افراد در تعارض نبوده و بتواند آنچه را که مصلحت شخص و دولت اسلامی بوده تامین گردد. علی رغم این موضوع در این نوع جرایم دولت توجه خاصی نداشته و به نظر از مهمترین جرایم در به خطر انداختن حیات یک نظام است لذا دولت مردان به طور جدی به این موضوع نگاه نموده و در قانون اخیرالتصویب در کلیه جهات از جمله عناصر تشکیل دهنده جرم، نوع و مرجع رسیدگی و غیره را مد نظر قرار داده است. و کاملاً با جرایم عادی در تمایز قرار گرفته همچنین از نظر عنصر روانی نیز اصولاً انگیزه و نوع آن در تحقیق جرائم بی تأثیر است. در جرائم سیاسی داعی خیرخواهانه و آزادی طلبانه سبب می شود تا مرتکب از یک سلسله امتیازاتی نسبت به مجرم عادی بهره مند شود. در فقه اسلامی نیز بغی را معادل جرم سیاسی دانسته و در تعریف جرم سیاسی از مفهوم بغی استفاده کرده اند، باغی به مسلمانانی گفته می شود که با دولت اسلامی مخالفت می کند و دست به نافرمانی می زند که در واقع کسانی هستند که بر دولت اسلامی که به صورت صحیح به وجود آمده است قیام کند و فرقی نمی کند که رهبر دولت پیامبر یا امام یا نایب خاص یا نایب عام آن ها یعنی فقیه جامع الشرایط باشد.

کلمات کلیدی: جرم سیاسی، فقه اسلامی، قوانین ایران، بغی

^۱ دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

^۳ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مساله

رویکرد قانونی به جرم سیاسی ریشه در تحولات فکری جهان معاصر دارد لذا ارائه ضابطه برای تشخیص جرائم سیاسی از سایر جرائم نه برای قضات و مجریان حکم، که به‌عنوان راهنمایی برای قانون‌گذار طرح می‌شود. معیارهای ارائه شده صرفاً جنبه تحلیلی داشته و تا جایی کاربرد دارد، که قانون در یک نظام حقوقی مشخص تکلیف جرائم سیاسی را تعیین نکرده باشد. در مقابل هر جا که با انقلاب سیاسی و به صورت نادر حکومت به دست صالحان می‌افتاده، عده‌ای با انگیزه ضربه زدن به اساس حکومت عدل و بازگرداندن وضعیت به حالت سابق و به دست گرفتن قدرت و یا با تحریک دشمنان خارجی برای باز کردن راه نفوذ و سلطه، با سیاه‌نمایی و کنار هم قرار دادن حق و باطل و به نام اصلاح امور کشور به مبارزه سیاسی علیه حکومت می‌پردازند. مرتکبان این جرایم نوعاً به اتهام جرایم خیابانی، از قبیل قتل، از سوی حکومت تحت پیگرد قرار می‌گیرند. کلیه جرایم را ذاتاً می‌توان سیاسی دانست؛ زیرا رفتارها قانوناً از طریق یک فرایند سیاسی، که به موجب آن، منافع و دیدگاه‌های گروه خاصی تأمین می‌شود، جرم تلقی می‌شوند. برخورد با مجرمین سیاسی همواره دستخوش تغییر بوده است؛ اما امروزه عقیده کلی بر آن است که نباید کسانی را که به علت منافع فردی یا از بین بردن نظم عمومی به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند، با کسانی که با انگیزه اصلاح گرانه مرتکب جرم می‌شوند یکسان دانست و با این مجرمین برخوردی همانند مجرمین عادی داشت بلکه باید ارفاقاتی را در فرایند عدالت کیفری بر آن‌ها اعمال نمود. بر اساس یک دیدگاه عامه پسند، بهترین تعریف جرم سیاسی در ماهیت ضد حکومتی بودن آن نهفته است، اما تعاریف و ویژگی‌های منتسب به جرم سیاسی در طول سالیان بسیار متفاوت بوده است، آن گونه که از تاریخ تحولات حقوق کیفری پیداست، جرم سیاسی از زمان تشکیل دولت‌ها وجود داشته، اما با این جرائم به عنوان جرایمی که اساس و پایه حکومت را هدف قرار می‌دهند، به شکلی شدیدتر از جرائم عادی برخورد می‌شد. به مرور زمان و تحت تأثیر نظرات حقوقدانان این برخوردها تعدیل شد تا جایی که مجرمین سیاسی به عنوان قهرمانان جامعه معرفی شدند.

۱-۲- اهداف تحقیق

هدف از انجام این تحقیق بررسی جرایم سیاسی در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با فقه می‌باشد. و با توجه به اینکه اکثر قوانین ایران ریشه در فقه داشته و با تحولات ایجاد شده در قانون جرایم سیاسی سال ۹۵ به این مهم پرداخته شود.

۱-۳- پرسشهای تحقیق

- ۱- جرایم سیاسی از منظر حقوق ایران شامل چه مواردی می‌شود؟
- ۲- وجه اشتراک قانون و فقه در اینگونه جرایم چیست؟

۱-۴- فرضیه‌ها

- ۱- جرایم سیاسی در قانون مصوب ۱۳۹۵ به طور دقیق احصا و آورده شده است.
- ۲- بیشترین شباهت در این زمینه جرم بغی و اثرات و توابع آن است.

به طور اجمالی و کلی در مورد این موضوع مطالب، کتب و مقالاتی موجود می باشد اما از جمله این فعالیت‌هایی که در این زمینه انجام شده می توان به مقالاتی همچون بررسی تطبیقی تروریسم در سیاست جنایی ایران و آمریکا (علی اکبری، ۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی تحول مفهوم جرم سیاسی در حقوق ایران و غرب (رحمانی، ۱۳۹۷)، تعریف جرم سیاسی؛ الزام غیرمصلحت گرایانه قانون اساسی (رحمانی، ۱۳۹۵)، بررسی جرم سیاسی در ایران با تاکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵ (زندیان، ۱۳۹۸)، درنگی بر قانون جرم سیاسی (کاظمی و حسین زاده، ۱۳۹۵)، جرم سیاسی منفی، درآمدی بر نگرشی نو به معنای جرم سیاسی (نابینی و قاسمی، ۱۳۹۴) و کتبی مانند جرم سیاسی در آینه فقه امامیه (شکری، ۱۳۹۷)، مفهوم جرم سیاسی در غرب (اردبیلی، ۱۳۸۰) و جرم سیاسی در حقوق ایران (موسوی، ۱۳۹۶) اشاره کرد.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- تعریف جرم سیاسی

الف) در قانون قدیم: ماده واحده قانونی رفع آثار محکومیت های سیاسی مصوب ۱۳۵۸/۱/۸ شورای انقلاب: محکومیت های کلیه کسانی که به عنوان اتهام اقدام علیه امنیت کشور و اهانت به مقام سلطنت و ضدیت با سلطنت مشروطه و اتهامات سیاسی ۱۳۵۷/۱۱/۱۶ به حکم قطعی محکوم شده اند کان لم یکن و ملغی اثر تلقی می شوند و کلیه آثار و موقوف الاجرا خواهند بود. در اصل ۱۶۸ قانون اساسی مورد نگارش قرار گرفت که در آن زمان (سال ۱۳۵۷) بدون ارائه تعریفی از جرم سیاسی تنها در غالب یک اصل مطرح و بدون در نظر گرفتن نوع و نحوه رسیدگی صرفا رسیدگی به جرم سیاسی را منوط به حضور هیئت منصفه دانست و این مطلب نیز قابل ذکر است که دادگاه صالح برای رسیدگی به جرایم سیاسی در اصل ۱۶۸ ذکر نگردیده است و صرفا از لفظ دادگستری استفاده شده است. اما با توجه به صلاحیت عام دادگاه های عمومی و نبود قرینه مبنی بر اینکه از مصادیق محاکم اختصاصی است، رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادگاه های عمومی است. همچنین اصل ۱۶۸ قانون اساسی بدون بیان استثنا مقرر داشته است که رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است. بدین معنی که دادگاه پس از احراز سیاسی بودن جرم حق ندارد از علنی بودن آن جلوگیری کند (زراعت، ۱۳۷۷).

ب) در قانون جدید: هر یک از جرائم توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤلیت آنان، توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده، جرائم مندرج در بندهای (د) و (هـ) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده، جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، نشر اکاذیب، چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه

مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می شود (قانون جرایم سیاسی مصوب ۱۳۹۵).

۳- تحلیل ها و ارزیابی های تعریف جرم سیاسی

جرم سیاسی در قانون جدید به صراحت تعریف شده اما دارای ایراداتی نیز می باشد لذا به طور دقیق به تعریف مطلب پرداخته نشده و به نظر بدون در نظر گرفتن اهداف پیش بینی شده در قانون اساسی مصوب گردیده است. به طوری که بیان میدارد: «جرمی که با انگیزه سیاسی انجام می شود» و در ادامه «انگیزه سیاسی یعنی انگیزه ای که هدفش اصلاح امور کشور است». یکی از مواردی که به نظر خالی از اشکال نیست و پرواضح است که این تعریف را در ابتدای امر به چالش می کشد همین مطلب خواهد بود. در ادامه و در ماده دو قانون اخیر التصویب مصادیق جرم سیاسی را عنوان کرده و به نظر با پیشرفت جوامع و افزایش جمعیت بالطبع جرایم هم بیشتر و پیشرفته تر خواهد شد و اگر به صورت کلی و یک تعریف جامع در نظر گرفته می شد بهتر می توانست در بر گیرنده حقوق جامعه باشد. جرایمی مانند توهین، ایراد، افتراء و نشر اکاذیب که با انگیزه سیاسی انجام شود جرم سیاسی است. لذا جرایم سیاسی باید جنبه تخریبی داشته باشد و ضرری که به جامعه وارد می کند برآورد گردد از نظر قانونی نیاز به پیگیری دارد. گاهی پیش آمده که جرمی در جهت اصلاح امور کشور رفتار شده و چون انگیزه و عنصر روانی آن مخدوش بوده و در نهایت نتیجه مثبتی را در بر داشته نمی توان در زمره جرایم سیاسی جای داد. اگرچه ماهیت پیچیده جرم سیاسی در عدم توفیق جرم سیاسی موثر است اما اگر جرم سیاسی مشخص نباشد مجرم سیاسی نیز از مجرم عادی قابل تفکیک نخواهد بود و این سبب می شود که کشور مجرم سیاسی کمتری داشته باشد. در اینجا به این نقص پی می بریم که حقوق دانان و فقها یا به عبارت روشتر در حقوق موضوعه و حقوق اسلامی تعریف جرم سیاسی به شدت متزلزل بوده و در بسیاری از موارد نقابص را نیز به همراه خواهد داشت (زراعت، ۱۳۷۷).

۴- ارکان اصلی تشکیل جرایم سیاسی

هر جرمی دارای ارکان قانونی، مادی و معنوی بوده که جرایم سیاسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در گام اول و در عنصر قانونی می توان علاوه بر اصول قانون اساسی که پایه و مبنای تصویب قوانین می باشد را نام برد و همچنین قانون جرایم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، معنایش این است که تا وقتی که قانون فعلی یا ترک فعلی را جرم تلقی نکند نمی توان آن را جرم دانست. این تعریف صراحتاً در ماده ۲ قانون مجازات نیز عنوان شده است (فیض، ۱۳۷۶).

در گام بعدی از ارکان جرم رکن معنوی از مواردی است که دارای اهمیت ویژه ای می باشد. نظر به اینکه عملی را می توان جرم دانست که انگیزه و قصد مجرمانه در آن باشد و در نهایت منجر به نتیجه مجرمانه گردد. در جرایم سیاسی علاوه بر سونیت عام سونیت خاص نیز متصور است. یعنی علاوه بر سونیت عام، سونیت خاص که همان قصد اضرار به نظام نیز وجود دارد. در برخی موارد نیز گاهی فرد با این نیت که بتواند انگیزه شرافتمندانه خود در

این جرم را ثابت کند اقدام به این عمل می نماید لذا بررسی این مطلب نیز وجود دارد که فرد با چه قصد و انگیزه لی این عمل را انجام داده که بتواند رکن معنوی را در این جرایم پوشش داد.

رکن سوم این جرم رکن مادی آن است. به گفته دکتر زراعت پیکره و جسم جرم سیاسی همان است که در سایر جرایم وجود دارد یعنی رکن مادی. مثلاً اجتماع برای ارتکاب جرم عمل واحدی است که گاه برای ضدیت با یک نظام سیاسی صورت می گیرد و گاه برای تعرض به جان، مال یا ناموس مردم. در صورت اول چهره جرم سیاسی به خود می گیرد و در صورت دوم چهره عادی. با این حال گرایش قانون گذار و حقوق دانان بر این است که عنصر مادی جرم سیاسی را خاص و منحصر به مواردی مصرحه در نظر بگیرند (زراعت، ۱۳۷۷).

۵- جرم سیاسی در حقوق و متون اسلامی

۵-۱- جرم سیاسی از منظر اسلام:

اینکه در فقه و حقوق اسلام آیا عملی به عنوان جرم سیاسی داریم یا خیر سوالی است که باید به آن پاسخ داد. از نظر عده ای از دانشمندان در حقوق اسلام شاید نتوان عنوان خاص جرم سیاسی را پیدا کرد اما مصادیق آن مشخص است و کماینکه عده ای معتقدند اسلام نیز از پیشگامان طرح جرم سیاسی بوده است. اینکه در فقه و حقوق اسلام آیا عملی به عنوان جرم سیاسی داریم یا خیر سوالی است که باید به آن پاسخ داد. از نظر عده ای از دانشمندان در حقوق اسلام شاید نتوان عنوان خاص جرم سیاسی را پیدا کرد اما مصادیق آن مشخص است و کماینکه عده ای معتقدند اسلام نیز از پیشگامان طرح جرم سیاسی بوده است. در میان این مصادیق جرایمی همچون توطئه برای براندازی حکومت اسلامی، مخالفت و ضدیت با حاکمان اسلامی و ... را می توان بیان داشت. به نظر می رسد جامع ترین تعریف در حقوق اسلامی در مورد عنوان جرم سیاسی این باشد که: جرم سیاسی عملی است که گروهی مسلمان که تشکیلات قوی و نیرومندی به دست آورده اند و از فرمان و اطاعت ولی امر مسلمین در اثر شبهاتی بی اساس که برای آنان به وجود آمده خارج گردیده اند، با قصد و اختیار انجام دهند خواه آن عمل از راه افساد فی الارض و محاربه و یا از راه جاسوسی برای دول اجنبی و یا از راه جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی و یا امور دیگر صورت گیرد (حائری، ۱۳۹۱).

جامع ترین تعریف در حقوق اسلامی در مورد عنوان جرم سیاسی این باشد که: (جرم سیاسی عملی است که گروهی مسلمان که تشکیلات قوی و نیرومندی به دست آورده اند و از فرمان و اطاعت ولی امر مسلمین در اثر شبهاتی بی اساس که برای آنان به وجود آمده خارج گردیده اند، با قصد و اختیار انجام دهند خواه آن عمل از راه افساد فی الارض و محاربه و یا از راه جاسوسی برای دول اجنبی و یا از راه جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی و یا امور دیگر صورت گیرد).

برآیند تعاریف فقیهان در جرم بغی این است که بغی، جرم بر ضد نظام سیاسی حاکم، مشروط به شرایطی از قبیل خروج، تأویل، کثرت و شوکت، مسلمان بودن باغی و اسلامی بودن حکومت می باشد، اظهار کرد: از سوی دیگر

خروج به معنای قیام مسلحانه بر ضد حاکم اسلامی با گرد آمدن در منطقه‌ای و خارج کردن آن از سلطه او و تأویل نیز در معنای برداشتی هر چند نادرست از دین است که وظیفه باغی را قیام بدانند. همچنین درباره رابطه جرم بغی با جرم سیاسی برخی معتقد به رابطه تساوی و برخی دیگر معتقد به رابطه تباین هستند، با توجه محوریت انگیزه شرافتمندانه و اصلاحی در جرم سیاسی و شرط تأویل در جرم بغی و نیز برخورد ارفاقی با مجرمان سیاسی و بغات، بر این باورند که رابطه بی آنها عموم و خصوص مطلق و بغی یکی از مصادیق جرم سیاسی است. اما به طور کلی اصطلاح «جرم سیاسی» در فقه جزایی اسلام به کار نرفته، اما به نظر برخی از فقها و حقوق‌دانان با توجه به جرم بغی در فقه کیفری اسلام، تفکیک میان جرایم سیاسی و عادی از آغاز مورد توجه بوده است (عظیم زاده، ۱۳۹۴).

۵-۲- مستندات شرعی جرم بغی

هر موضوع شرعی که در زندگی مسلمانان مطرح است باید دارای پیشینه ای محکم و مستند باشد و یا برگرفته از قرآن باشد لذا با وصف مراتب مذکور مستندات جرایم سیاسی اسلامی نیز از قرآن، روایت معتبر خواهد بود که در ذیل به این مباحث خواهیم پرداخت:

الف) قرآن: خداوند متعال در سوره حجرات می‌فرماید: «هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پرداختند، در میان آنها صلح برقرار سازید؛ و اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز کند، با طایفه ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد. هرگاه در میان آن دو بر طبق عدالت صلح برقرار سازید، و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد.» (حجرات: ۹)

حکم این آیه، عام است، و حکم قتال، به صفت بغی تعلق گرفته است؛ بدون اینکه فرد خاصی را مقید کرده باشد. در تفسیر این آیه آمده است: آیه در صدد بیان احکام مترتب بر باغیان است؛ فرقی نمی‌کند که از جانب دولتی بر دولت دیگر، یا از جانب گروهی بر گروه دیگر باشد. پس به طور کلی، در آیه شریفه که اساس حکم «بغی» است، اسمی از امام نیست؛ ولی هر جنگ و نزاعی در خارج بر وجود امام یا فرمانده‌ای متوقف است که جنگجویان را رهبری کند و کار و سخن آنان را سر و سامان دهد. قهراً وجود امام، شرط «وجود» است، نه وجوب؛ به این معنا که بدون امام، امکان دفع طغیان وجود ندارد؛ پس انتخاب و تحصیل امام، واجب است؛ نه اینکه وجود امام شرط وجوب باشد؛ به گونه‌ای که تا او نباشد، حکم وجوب دفع طغیان هم نباشد. (طوسی، ۱۴۰۷)

ب) سنت و روایات

افزون بر آیه قرآن که به صراحت، جرم بغی را یک حکم عام می‌داند و آن را مختص به خروج بر امام معصوم نمی‌داند، روایاتی هم در این زمینه وارد شده است که وجود جرم بغی را در زمان غیبت نشان می‌دهد. اگرچه این روایات، تا حدودی به تبیین مصادیق بغی هم کمک می‌کنند، اما اشاره به این روایات در این قسمت، به دلیل برطرف کردن ابهامات وارد شده به تعریف جرم بغی است؛ اگرچه با تعریف دقیق جرم بغی، تا حدودی به تبیین مصادیق آن هم کمک می‌کند.

حضرت رسول(ص) به حضرت علی(ع) می‌فرماید: یا علی! خداوند جهاد در فتنه را بعد از من بر مؤمنان نوشته است؛ چنان‌که جهاد و جنگیدن با مشرکان را لازم و واجب نمود. پرسیدم: یا رسول‌الله! کدام فتنه بر ما واجب است با آن جهاد کنیم؟ فرمود: «فتنه قومی که به لا اله الا الله و اینکه من رسول‌الله هستم، شهادت می‌دهند؛ آنان با سنت من مخالف‌اند و در دین من طعنه وارد می‌کنند. گفتم: ای رسول‌خدا! برای چه با آنان بجنگیم، درحالی‌که به لا اله الا الله و اینکه شما رسول‌خدایی شهادت می‌دهند؟ پیامبر(ص) فرمود: به این دلیل که بدعت‌گذارند و از دین من جدا می‌شوند و ریختن خون خاندانم - اهل‌البیت(ع) - را مباح می‌دانند...»

این خبر، اختصاص به باغی بر امام ندارد: «و در این زمان، کسانی که بدعت در دین ایجاد می‌کنند و با مجتهدین مخالفت می‌کنند و احکام الهی را به‌صورت واضح تغییر می‌دهند را هم شامل می‌شود.» (فتحی بهشتی، ۱۴۰۵)

در سلسله‌سندی از امام صادق(ع) نقل شده است: «قتل (کشتن) دو نوع است: یکی کفاره گناه و معصیت است؛ دیگری شهادت و کشتن در راه خداست. و جنگیدن نیز دو نوع است: جنگیدن با کفار؛ و جنگیدن با گروه بغی، تا زمانی که به فرمان‌برداری و اطاعت برگردند.»

همچنین بسیاری از سخنان حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه، بر وجوب جنگ با بغات در حکومت اسلامی بدون هیچ قید و شرطی دلالت می‌کند؛ یعنی هرگاه آن شرایط به وجود آمد، سرکوب آنان لازم می‌شود.

حضرت در خطبه ۱۷۲، مبنا و دلیل جنگ با بغات را ذکر می‌کند و می‌فرماید: «طلحه و زبیر و یاران‌شان بر من خروج کردند... پس از ورود به بصره، به فرماندار من و خزانه‌داران بیت‌المال مسلمین و به مردم بصره حمله کردند؛ گروهی از آنان را شکنجه، و گروه دیگر را با حيله کشتند...» (نهج‌البلاغه، ص ۳۲۹)

آن حضرت در خطبه ۱۷۳ در خصوص ویژگی‌های رهبر اسلامی در زمان فتنه می‌فرماید: «ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت، نیرومندتر، و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد؛ تا اگر آشوبگری به فتنه‌انگیزی برخیزد، به حق بازگردانده شود و اگر سر باز زد، با او مبارزه شود...»

پس با توجه به سخنان حضرت، حکم برخورد با باغیان بعد از ایشان روشن شده است و آن اینکه در صورت وجود باغیان و همچنین وجود فرمانده‌ای شایسته با آن ویژگی‌ها که امام(ع) در این خطبه بیان کرده است، دیگر نیاز به وجود امام معصوم نیست؛ آن‌گونه که عده‌ای از فقها به آن قائل‌اند.

پس با توجه به آیه و روایات گفته‌شده، فهمیده می‌شود که جرم بغی، اختصاص به خروج بر امام معصوم ندارد و لفظ آیه و روایات، عام است و همه مواردی را که در تفسیر این آیه گفته شده است، دربرمی‌گیرد. فلسفه جهاد با بغات، دفاع از حکومت اسلامی است و همین که فردی عادل و آگاه به مسائل اسلام در رأس حکومت باشد، خروج‌کننده بر او، باغی شمرده می‌شود.

افزون براین، اگر بپذیریم اطلاعات، انصراف به امام معصوم دارند، می‌توان از باب عموم ملاک احکام، حکم بغات را بر کسانی که بر نایب امام زمان خروج می‌کنند نیز جاری دانست؛ زیرا اگر در عصر غیبت، فقیه و نایب امام(ع) نتواند

با بغات برخورد نماید و آنان را طبق موازین اسلامی مجازات کند، آنان اساس نظام عدل اسلامی را متزلزل می‌سازند و در نظام اسلامی هرج و مرج به وجود خواهند آورد (جزیری، ۱۹۹۵).

۵-۳- اقسام باغیان و روش بر خورد با آنها

حال باید دید که با افرادی که در جامعه ی اسلامی مرتکب جرم سیاسی می شوند چگونه برخورد می شود؟ الف) باغیان فاقد تشکیلات، که قیام مسلحانه نکرده اند: یعنی افرادی که مرتکب جرم بغی شده اند ولی قیامی علیه حکومت اسلامی انجام نداده اند که در اینجا حاکم جامعه ی اسلامی موظف است در ابتدای کار هدایت و ارشادشان کند و رفع شبهه کند ولی حاکم نباید برایشان تعرضی کند البته اگر خطری برای جامعه ی اسلامی و امت اسلامی نداشته باشند ولی اگر این باغیان خطری برای جامعه و حکومت و امت اسلامی داشته باشند باید تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات هایی تعزیری نظیر حبس و ... شامل حالشان شود.

باغیانی که قیام مسلحانه کرده اند: که در فقه امامیه به دو دسته تقسیم می شوند.

باغیانی که دارای تشکیلات هستند: گروهی هستند که دارای هسته ی مرکزی بوده و سرکردگان، باغیان هستند یعنی باغیان این گروهها را اداره و سازماندهی می کنند و ایدئولوژی خاصی ضد حکومتی خود را دارا هستند. گروهی هستند که در مواردی از امام عادل جدا شدند و اطاعت نکردند و امکان ار شاد و هدایتشان و جلوگیری از فتنه از جانب ایشان وجود نداشته باشد این گروه را حاکم می تواند سرکوبشان کند. افراد (گروه باغیان) را در جنگ می توان ، فراریان و مجروحین و اسیرانشان را کشت و فقط به کودکان و زنان ایشان امان داد. ولی باید ذکر کرد که عده ای در این گونه جنگها در گروه باغیان قرار گرفته اند ولی قصد و انگیزه ی مخالفت با گروه مقابل را ندارند و دست به اسلحه نبردند تا بچنگند که با این گروه نمی توان جنگید چون دست به اسلحه نبردند هر چند که باغی هستند.

باغیانی که فاقد تشکیلات هستند. دارای تشکیلات مرکزی نیستند و هسته ی مرکزی و خاصی ندارند که اگر این گروه از باغیان در جنگ ، از جنگ کردن بگریزند و از معرکه ی جنگ فرار کنند نباید آنها را باز گرداند و کشت و نباید اسیران و مجروحان و فراریانشان را به قتل رساند. سیره ی امام علی(ع) در جنگ جمل این گونه بود که دستور داد با فراریان کاری نداشته باشید و مجرمین را نکشید و اگر کسی وارد خانه ای شد و در را بست در امان است (عظیم زاده، ۱۳۹۴).

نمونه ی دیگر اینکه در جنگ نهروان بعد از فرستادن ابن عباس به سوی آنان و سخن گفتن ایشان با خوارج و همین طور سخنان امام علی(ع) با آنان افراد زیادی پشیمان شده و برگشتند و نهایتاً کسی به ایشان معترض نشد پس از انجام این عمل اگر عده ای از آنان قبول کرده و بر موضعشان پافشاری می کردند می توان با آنها جنگید. دین محمد(ص) دین مهربانی و محبت است ، در چنین دینی و چنین جامعه ای حاکمان آن به حقوق افراد کوچک تر تعدی و تجاوزی نخواهند کرد و همه باهمدیگر در صلح و مدارا زندگی می کنند و در مسایل سیاسی با دیگر

جوامع نیز از طرق مسالمت آمیز به حل و فصل مشکلات می پردازند. ولی در چنین جامعه ای اگر حاکم یا دستگاه حکومتی چنین احساسی کند و یقین داشته باشد که شخصی قصدی بر علیه تمامیت ارضی نظام اسلامی و حقوق افراد جامعه و مال و جان و شرف و حیثیت و نوامیس آن جامعه داشته باشد با آن به شدت مخالفت خواهد کرد. این قضیه بر تمامی جوامع صدق می کند و امید است که تعریف خاص و روشنی از سوی برخی نهادها و سازمان ها ی بین المللی در مورد جرم سیاسی ارائه شود تا همه ی جوامع چه در مقابل همدیگر و چه یک جامعه و یک حکومت در برابر ملت خودش در مواقع لزوم به آن قانون و ضابطه استناد کنند (قدرتی، ۱۳۸۹)

روش تحقیق

روش انجام تحقیق بصورت کتابخانه ای — اسنادی بوده که در این راستا با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارها سایت های حقوقی و جمع آوری و بررسی آنها آنچه را که مد نظر و مرتبط با عنوان بوده است را استخراج و همچنین با تهیه فیش های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور حقوقی از روش تجزیه و تحلیل و بررسی، بصورت تحلیلی - توصیفی کلیه موارد قابل ارایه گردید.

با بررسی دقیق در جرایم سیاسی و نیم‌نگاهی به گذشته و حال این مطلب بخ چشم می خورد که مقابله و روبرویی با مجرمین سیاسی همیشه دارای قواعد و مقررات خاص خود بوده و نمی توان این مجرمین را با مرتکبین جرایم عادی یکسان در نظر گرفت. تا دو قرن گذشته برخوردهای شدید و سخت نسبت به این دسته از مجرمین اعمال می گردید، اما بعد ها و در دو قرن اخیر یعنی ۲۰ و ۲۱، تحول بزرگی در نوع برخورد با آن ها به وجود آمد و نظام فکری جامعه و به دنبال آن نظام جزایی حاکم بر اکثر جوامع، رژیم ارفاقی را نسبت به مجرمین سیاسی اعمال کردند. این جرم یکی از جرایمی است که تعریف دقیقی از آن نشده است و نمی توان ضابطه‌ای دقیق برای تشخیص جرم سیاسی بدست آورد. یکی از موضوعات قانون اساسی، که تاکنون از سوی قانون گذار عادی نسبت به آن اقدامی صورت ننگرفته، موضوع اصل ۱۶۸ درباره جرم سیاسی است. از جمله مشکلاتی که در این باره وجود دارد تعریف جرم سیاسی است. به همین دلیل، بیش تر قانون گذاران جزایی به میدان تعریف جرم سیاسی وارد نشده و ترجیح می دهند در قبال آن سکوت کنند. اما با تصویب قانون مصوب ۱۳۹۵ قانون گذار با تعریف مدون و احصایی خط بطلانی به این بلاتکلیفی کشید و با تعریف و ذکر مصادیقی راه مشخصی برای برخورد با این جرایم در نظر گرفت. همچنین نظر به اینکه فقه اسلامی که سرلوحه وضع قوانین در ایران است بغی را به عنوان جرم سیاسی در نظر گرفته و جرم سیاسی یا بغ در شریعت اسلام مورد عنایت و توجه شارع می باشد و شاید علت آن این باشد که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ذکری از قوانین مربوط به جرم سیاسی به طور مستقل و جدای از قوانین حدود و قصاص و دیات به میان نیامده است. بدین منظور برخی از حقوق دانان اسلامی «بغی» را معادل جرم سیاسی دانسته اند که سخن نادرستی است؛ زیرا جرایمی وجود دارد که هرگز از مصادیق بغی محسوب نمی شود. لذا بابررسی موادی از قانون مجازات اسلامی به این مطلب پی خواهیم برد که قانون گذار در مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی بغی را جزء جرائم حدی در نظر گرفته است و طبق بند ۱ ماده ۳ قانون جرم سیاسی، جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات جزء جرائم سیاسی محسوب نمی شود، لذا این تصور از سالیان گذشته وجود داشته که با تصویب قانون جدید خط بطلان بر کلیه انحرافات ذهنی درمورد این جرم کشیده شده است.

پیشنهادات:

با توجه به اینکه روح قوانین کشورمان برگرفته از فقه اسلامی بوده و تعامل نزدیکی بین مباحث دینی و قوانین مدونه برقرار شده است لذا پیشنهاد می گردد در جاهایی که فقه اسلامی قوانین سختگیرانه ای دارد از نظر حقوقی و بررسی اوضاع و احوال جامعه مقداری به سهولت موضوع افزوده شود و برعکس، آنچه را که لازم به تدابیر سختگیرانه است در مقابله با این گونه جرایم در راستای حفظ و حراست جمهوری اسلامی تدابیر مقتضی اندیشیده شود.

منابع و مأخذ

قرآن مجید

نهج البلاغه

الف) منابع فارسی

احمدوند، محسن (۱۳۸۷)، جرائم امنیتی در فقه، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰)، «جرم سیاسی، متن سخنرانی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق»، به نقل از نشریه پژوهش‌های راهبردی مدیریت (بصیرت)، شماره ۲۵ و ۲۶.

اصغری، سید محمد (۱۳۷۸)، بررسی تطبیقی جرم سیاسی، تهران: انتشارات اطلاعات.

ایمانی، عباس (۱۳۸۲)، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری: آریان.

پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۲)، جرم سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۵)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، حقوق تهران، انتشارات گنج دانش

جوآنمرد چپانه، مهین (۱۳۹۰)، بررسی فقهی و حقوقی جرم سیاسی، تهران: انتشارات فرهنگ‌شناسی.

حائری، محمدحسن؛ قبولی درافشان، سید محمدتقی؛ موسوی مشهدی، سیده قدسیه (۱۳۹۱)، «نگرشی نو در رابطه با مفاهیم محاربه افساد فی الارض و بغی در فقه و حقوق موضوعه»، آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳: صص ۷۸-۵۱.

رشیدی، احمد، امین، خادمی، (۱۳۹۵)، جرم سیاسی و چالش‌های فرا روی تعریف آن در ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی سال هشتم، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۵ ص ۱۳۱-۱۵۰
زراعت، عباس، (۱۳۷۷)، جرم سیاسی، تهران، انتشارات ققنوس.

زندیان نهال، (۱۳۹۸)، بررسی جرم سیاسی در ایران با تاکید بر قانون مصوب ۱۳۹۵، قانون یار دوره سوم بهار ۱۳۹۸ شماره ۹ جلد دوم.

زینلی، محمدرضا (۱۳۷۸)، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

عالی پور، حسن و نوروز کارگری (۱۳۸۹)؛ جرایم ضد امنیت ملی، تهران، انتشارات خرسندی.

عبداللهی، محسن (۱۳۸۸)، تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: انتشارات شهر دانش.

کرمی، داود، هادی کرامتی معز، (۱۳۹۵)، قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در بوته نقد، شماره ۱۲، شماره ۳۷، زمستان ۹۵، ص ۲۲۰-۲۲۰

محبی، جلیل، (۱۳۸۹)، بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۱۱، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۵۵-۵۵

محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۳)، مطالعه تطبیقی جرم سیاسی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما

موسوی فر، سید محسن، کاظم خسروی (۱۳۹۸)، قانون جرم سیاسی در بوته نقد همراه با سیاست جنایی اسلام (فقه امامیه) در قبال جرایم سیاسی، انتشارات مجد.

هاشمی، سید محمد (۱۳۷۱)، «تحلیل حقوقی جرائم سیاسی و مطبوعاتی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰: صص ۱۴۶-۱۰۵.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). معنانشناسی بغی و براندازی در قرآن کریم و نظام حقوقی اسلام. دوفصلنامه مطالعات روش‌شناسی دینی. ۲(۲)، صص ۴۹-۶۵.

مرعشی، سید محمد حسن (۱۳۷۱)، «بغی یا جرم سیاسی از نظر اسلام»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳: صص ۲۶-۹.

سیّاح، احمد (۱۳۷۷). فرهنگ بزرگ جامع نوین. تهران: انتشارات اسلام.

قدرتی سیاهمزی، طیبه (زمستان ۱۳۸۹). درآمدی بر مسئله بغی و باغی در فقه شیعه. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. ۷(۲۲)، صص ۱۲۵-۱۴۲.

ب) منابع عربی

جزیری، عبدالرحمن (۱۹۹۰م). الفقه علی مذاهب الأربعة. بیروت: دار الكتاب العلمیة.
طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: انتشارات اسلامی.
فتحی بهسنی، احمد (۱۴۰۵ق). الموسوعه الجنائیه فی الفقه الاسلامی. بیروت: دارلفکر.